

مقاله پژوهشی: «منطقه منازعه خاکستری» مفهوم نوپدید در مدیریت دفاعی آینده

فتح... کلانتری^۱، امیر صادقی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۵

چکیده

نظریه‌های تکاملی در خصوص جنگ آینده، تغییر شکل جنگ را طی یک فرایند تکوینی و براساس نقاط عطف مهم در تاریخ و تمدن بشری مورد بررسی قرار می‌دهند. جنگ‌های گذشته به صورت مستقیم و تمام‌عیار بین کشورها و یا ائتلاف‌های درگیر جنگ انجام می‌شد، جنگ‌های اخیر به صورت محدود و نیابتی انجام شدند، جنگ‌های آینده به شکل منازعه در منطقه خاکستری اجرا می‌گردد، منطقه منازعه خاکستری دوگانه صلح و جنگ نام دارد، از نظر راهکنش تا حدودی شبیه جنگ بی‌قاعده، هیبریدی و نیابتی است. هدف اصلی این مقاله تبیین مناطق منازعه خاکستری به عنوان مفهومی نوپدید در مدیریت دفاعی آینده است، این پژوهش به روش زمینه‌ای موردی انجام گردیده و از نوع کاربردی می‌باشد، روش جمع‌آوری اطلاعات میدانی و کتابخانه‌ای بوده و جامعه آماری صد و بیست نفر، که با استفاده از روش‌های تحلیل خبرگی تحلیل شده است. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که جنگ تمام‌عیار و محدود باعث نارضایتی اذهان عمومی و ایجاد هزینه برای آمریکا شده است، به همین دلیل آمریکایی‌ها به بهانه نابودی گروه‌های تکفیری تروریستی، حمایت از گروه‌های غیردولتی، کاهش هزینه و تلفات به دنبال ایجاد منطقه منازعه خاکستری هستند. مناطق منازعه خاکستری عبارتند از: یمن، سوریه، فلسطین اشغالی، لبنان، بحرین، قطر، عراق، دریای چین جنوبی و اوکراین. بهترین راه مدیریت و مبارزه با منازعه منطقه خاکستری اتحاد کشورهای مسلمان جهت ریشه‌کن کردن تروریسم و پرهیز از تعارضات هویتی و اختلافات موجود به منظور ممانعت از حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: منطقه منازعه خاکستری، جنگ بی‌قاعده، ترکیبی، تمام‌عیار، محدود.

۱. دکتری علوم دفاعی راهبردی و پژوهشگر جنگ آینده، نویسنده مسئول. ff.ka@chmail.ir

۲. پژوهشگر ارشد آینده‌پژوهی.

با پیچیده‌تر شدن شکل نبردهای میان دولت‌ها و گروه‌های غیردولتی در سالیان اخیر و آگاهی ملت‌های جهان از پیامدهای ناگوار جنگ‌های مسلحانه، کشورهای غربی به رهبری آمریکا در پی ارایه گونه نوینی از نبردها در مناطق جهان بوده‌اند که از آن با عنوان «منازعات منطقه خاکستری» یاد می‌شود. این نبرد جدید، پیامدهای چشمگیری بر منازعات منطقه غرب آسیا خواهد داشت و بنا به تحلیل صاحب‌نظران مسائل دفاعی، برخی از رویکردهای خصمانه سران آل‌سعود در برابر ج.ا.ایران، قطر و به‌تازگی مصر در چارچوب این نوع از نبردها دسته‌بندی می‌شود. در این مقاله با بررسی اسناد منتشره مرتبط با منطقه خاکستری و ویژگی‌های آن، به چالش‌ها و منازعات محتمل غرب آسیا پرداخته شده تا بلندپایگان دفاعی، دورنمای دفاعی امنیتی کشور را برای کنشگری فعالانه در آینده پیش‌رو، طراحی و ترسیم کنند. مسئله اصلی تحقیق این است که جنگ‌ها و خشونت‌های انجام شده در عراق، سوریه، یمن، فلسطین اشغالی، لبنان، بحرین، لیبی، اوکراین و سایر مناطق درگیر جهان که در اثر زیاده‌خواهی کشورهای مثل آمریکا و عربستان سعودی، باعث بی‌خانمان شدن مردم بی‌گناه و بی‌سرپرست شده است تا چه اندازه در چارچوب منازعات منطقه‌ی خاکستری قابل بحث و بررسی بوده و چارچوب رفتاری بازیگران در این منازعه چگونه باید باشد.

سوال اصلی تحقیق عبارتست از: منازعات مناطق خاکستری به‌عنوان مفهوم نوپدید دفاعی در چه مناطقی و با چه رفتارهایی اجرا می‌گردد؟ سوال‌های فرعی عبارتند از: الف- مناطق خاکستری مورد منازعه مابین کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کدامند؟ ب رفتارهای اصلی در جنگ ابهام در مناطق خاکستری چگونه است؟ اهداف مقاله متناظر با سوالات می‌باشد، این مقاله سوال‌محور بوده و محقق به‌دنبال اثبات فرضیه نیست، به همین دلیل فرضیه ندارد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

مهمترین مزیت اجرای تحقیق این است که توجه به منطقه خاکستری از یک‌طرف باعث نفوذ منطقه‌ای و توسعه عمق راهبردی انقلاب اسلامی می‌گردد و از سوی دیگر باعث اقتدار دفاعی و همگرایی کشورهای مسلمان منطقه در تقابل با جبهه استکبار می‌گردد. از آنجا که یکی از چالش‌ها و تهدیدهای دفاعی ج.ا.ایران از سوی رژیم آل‌سعود در دسته‌بندی منطقه

خاکستری قرار گرفته است، ضرورت دارد به چپستی و چگونگی این منازعه و ویژگی های آن پرداخته شود. پس پیامد مهم بی توجهی به منطقه خاکستری از یک طرف باعث غافلگیری راهبردی نظام و نیروهای مسلح در منازعات منطقه ای می گردد و از سوی دیگر باعث ایجاد اختلاف بین کشورهای مسلمان منطقه و تغییر مرزهای سیاسی می شود.

هیات نظری

پیشینه های یافت شده عبارتند از: الف- مقاله «تحول تاریخی جنگ از الگوهای سنتی تا نوین»، در این مقاله علل و اشکال و فرایند جنگ در دو الگوی ایدئولوژیک محور و عقلانیت محور مورد بررسی قرار گرفته است. (پوراحمدی و رضایی، ۱۳۹۱: ۱۷۵) ب- مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن. در این مقاله جنگ-های آینده دارای ۷ بُعد (زمینی، دریایی، هوایی، فضایی، سایبری یا فضای مجازی، شناختی یا فضای ذهن و رسانه ای) و ۱۰ ویژگی راهبردی (چندوجهی بودن، شناخت محوری، هوشمندی، تأثیر محوری، فناورپایه-گی، قابلیت محوری، مردم پایه-گی، فرماندهی و واپایش برخط و افقی، اشراف اطلاعاتی، ارزش محوری و آرمان محوری) می باشد. (کلانتری، ۱۳۹۵: ۵۷)

در پیشینه های یاد شده مفهوم نوپدید منطقه خاکستری بررسی نشده است، به همین دلیل محقق قصد دارد ضمن تبیین این مفهوم، مناطق خاکستری مابین کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای را مشخص نماید.

تعریف مفاهیم

منطقه خاکستری^۱: در تنها تعریف پذیرفته شده از منطقه خاکستری در میان اندیشمندان غربی که توسط فرماندهی عملیات های ویژه آمریکا ارایه شده است، چنین بیان می شود: تعاملات رقابتی مابین کنشگران دولتی و غیردولتی که در گستره دوگانه جنگ و صلح جای می گیرد.^۲

جنگ بی قاعده^۱: به عنوان نبردی خشونت آمیز بین بازیگران دولتی و غیردولتی با هدف کسب مشروعیت و تأثیرگذاری بر جمعیت های مرتبط (مردم) تعریف می شود. این نوع

۱. gray zone

۲. U.S. Special Operations Command (SOCOM): "gray zone challenges are defined as competitive interaction among and within state and non-state actors that fall between the traditional war and peace duality.

جنگ از شیوه‌های غیرمستقیم و ناهمگون سود می‌جوید؛ با وجود این، ممکن است انواع توانمندی‌های نظامی و قابلیت‌های دیگر را به‌منظور ایجاد فرسایش در توان، نفوذ و ارادهٔ دشمن به‌کار گیرد. در عملیات جنگ بی‌قاعده از براندازی، سرکوب، فرسایش نیروها و خستگی نیز برای تخریب و تضعیف نیرو و برتری دشمن و تضعیف تمایل وی به اعمال حاکمیت سیاسی بر افراد استفاده می‌کنند. (زهدی و کلاتری، ۱۳۹۵: ۱۴۴)

جنگ ترکیبی (هیبریدی)^۲: جنگی با ترکیبی از ابزارهای متعارف، نامنظم و ناهمگون است. جنگ ترکیبی شامل استفادهٔ بازیگری دولتی یا غیردولتی از همهٔ مولفه‌های سیاسی، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی با هدف ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف است. جنگ ترکیبی، جنگی است که نیروهای منظم و نامنظم قابل توجهی به‌طور همزمان تحت فرماندهی واحدی، رزم می‌کنند. (Huber, ۲۰۱۴: ۴۵)

جنگ‌های هیبریدی شامل گستره‌ای از حالت‌های متفاوت جنگ از جمله توانایی‌های متداول، راهکنش‌های نامنظم، انجام خشونت بی‌رویه و اغتشاش‌های جنایی است که توسط دولت‌ها یا نهادهای غیردولتی هماهنگ می‌گردد. (کلاتری، ۱۳۹۴: ۴۲)

جنگ نیابتی^۳: جنگ نیابتی به استفاده از نیروهای نظامی کشوری ثالث (معمولا تحت‌الحمایه) چه از سر تباری و یا غیرآن در میدان جنگ بجای نیروهای خودی اطلاق می‌شود. در جنگ نیابتی، ابرقدرت‌ها و قدرت‌های جهانی به جای مداخله اولیه مستقیم نظامی در مناطق هدف، گروه‌ها و کشورهای کوچک‌تر و ضعیف‌تر و هم پیمان با خود را به نیابت از خود، به وادی عملیات نظامی می‌کشند و در پس پرده، حمایت‌های مالی و تسلیحاتی و اطلاعاتی خود را از ایشان به‌عمل می‌آورند. چنانچه گروه‌ها یا کشورهای نایب در جنگ، در رسیدن به اهداف خود و کشورهایی که به نیابت از آن‌ها وارد جنگ شدند، موفق نبودند، آن موقع است که کشورهای اصلی و قدرتمند ابتدا حمایت‌های خود را بیشتر می‌کنند،

۱. Irregular War

۲. Hybrid War

۳. Proxy War

روش‌های حمایتی خود را گسترده می‌کنند و در نهایت اگر کار به جایی نرسید، خودشان وارد میدان می‌شوند تا به اصطلاح کار را تمام کنند. (رشید و همکاران، ۱۳۹۳:۱۰)

ابعاد و ویژگی‌های جنگ آینده

اغلب جنگ‌های گذشته به صورت مستقیم و تمام عیار و جنگ‌های اخیر به صورت نیابتی و محدود اجرا شده است. جنگ تمام عیار جنگی است که با استفاده از تمام ابزار و مولفه‌های قدرت ملی (نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، زیست‌محیطی، فناوری و سایبری) به خصوص سلاح‌ها و تجهیزات مدرن و پیشرفته انجام می‌گیرد. این جنگ به صورت مستقیم و همه‌جانبه بین دو کشور و یا ائتلاف انجام می‌گیرد.

جنگ محدود جنگی است که از نظر، زمان، مکان، عده و عُده محدود باشد. جنگ محدود داری حداقل ۴ ویژگی است: ۱- در زمان محدود انجام می‌شود، ۲- در مکان و جغرافیای محدود انجام می‌شود، ۳- با تعداد نیروی انسانی محدود انجام می‌شود، ۴- با تجهیزات و سلاح‌های محدود انجام می‌شود.

جنگ‌های گذشته دارای سه بُعد زمینی، دریایی و هوایی بودند، در حالی که برای جنگ‌های آینده تعداد ۷ بُعد جنگی و ۱۱ ویژگی راهبردی و ۱۳ ویژگی راهکنشی بیان شده است.

ابعاد جنگ‌های آینده عبارتند از: ۱- زمینی، ۲- دریایی، ۳- هوایی، ۴- فضایی، ۵-

سایبری، ۶- شناختی، ۷- رسانه‌ای. (کلانتری، ۱۳۹۵:۱۲۵)

ویژگی‌های جنگ آینده به دو دسته راهبردی و راهکنشی تقسیم می‌شوند:

- الف- ویژگی‌های راهبردی جنگ آینده عبارتند از:** ۱- چندوجهی بودن، ۲- شناخت محوری، ۳- هوشمندی، ۴- تأثیر محوری، ۵- فناوری پایه‌گی، ۶- قابلیت-محوری، ۷- مردم‌پایه‌گی، ۸- فرماندهی و واپایش (کنترل) برخط (آنلاین) و افقی، ۹- اشراف اطلاعاتی، ۱۰- ارزش محوری، ۱۱- آرمان-محوری. **ب- ویژگی‌های راهکنشی جنگ آینده عبارتند از:** ۱- درهم تنیدگی تهدیدهای نظامی با تهدیدهای امنیتی، ۲- عملیات ویژه، ۳- عملیات پرشدت و متمرکز، ۴- سیالیت صحنه عملیات، ۵- حمله به

توانمندی‌های راهبردی، ۶- عملیات روانی گسترده، ۷- کاهش چرخه زمان بین اطلاعات و عملیات، ۸- دور ایستایی، ۹- نزدیکی سطوح راهبردی با عملیاتی و راهکنشی جنگ، ۱۰- استفاده حداقلی از نیروی زمینی، ۱۱- استفاده از گروه‌های تروریستی، ۱۲- ناهمگونی، ۱۳- نابرابری، ۱۴- بسیج مؤلفه‌های قدرت ملی. (کلانتری، ۱۳۹۵: ۱۲۴)

تغییر الگوی درگیری مسلحانه

از جنگ جهانی دوم به بعد، تغییر قابل توجهی در الگوی درگیری‌های مسلحانه ایجاد شده است. این تغییر عبارت است از کاهش جنگ‌های بین دولتی و در مقابل افزایش سریع درگیری‌های درون دولتی یا جنگ‌های داخلی. بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، در مجموع درگیری‌های مسلحانه از هر دو نوع مذکور کاهش پیدا کرد. طی دو دهه بعد از جنگ سرد، جنگ‌های بین دولتی نیز با وجود افت و خیزهایی، کاهش یافت و در نیمه اول دهه ۲۰۱۰ به سطح بسیار پایینی رسید، به گونه‌ای که هم‌اکنون به جز جنگ عربستان سعودی علیه یمن، درگیری نظامی بین دولتی قابل توجهی در سطح جهان وجود ندارد. با این حال درگیری‌های مسلحانه درون دولتی وضعیت متفاوتی پیدا کرده است. هرچند در حال حاضر این درگیری‌ها نسبت به دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی کمتر است، اما به سطح دهه ۱۹۷۰ بازگشته است و روندی صعودی را طی می‌کند. بر اساس برآوردها در سال ۲۰۱۴ حدود ۴۰ درگیری مسلحانه در سطح جهان جریان داشته است که تقریباً همه این درگیری‌ها درون دولتی بوده‌اند.

بر اساس برآورد مرکز اقدامات پیشگیرانه شورای روابط خارجی آمریکا، حدود ۳۰ درگیری شامل جنگ‌های داخلی، خشونت‌های سازمان‌یافته، مناقشه‌های بین دولتی، بی‌ثباتی سیاسی، درگیری‌های فرقه‌ای، مناقشات سرزمینی و تروریسم فراملی در سطح جهان جریان دارد که وضعیت برخی از آن‌ها بدتر شده و برخی نیز بدون تغییر باقی مانده‌اند. (حیات‌مقدم و کلانتری، ۱۳۹۷: ۹۲) کشورهای سوریه، عراق، افغانستان، جمهوری سودان، جمهوری سودان جنوبی، نیجریه، پاکستان، سومالی، اوکراین و جمهوری آفریقای مرکزی ۱۰ کشوری هستند که بیشترین مناقشه و درگیری‌های داخلی در آن‌ها جریان دارد. البته برخی از این درگیری‌ها

درون دولتی، بین‌المللی شده‌اند. به این معنا که بازیگران خارجی به نحوی در این درگیری‌های مسلحانه حضور دارند؛ بنابراین برخلاف گذشته که درگیری‌های مسلحانه عمدتاً میان دولت‌ها جریان داشته است؛ در زمانه کنونی این درگیری‌ها غالباً درون دولتی است. در بسیاری از موارد دولت‌ها نیز یک پایه اصلی این درگیری‌ها هستند؛ اما مسئله مهم این است که گروه‌های غیردولتی نقش برجسته‌ای در این مورد ایفا می‌کنند. البته باید این نکته را مدنظر داشت که برخی از دولت‌ها اهداف و منافع خود را در رابطه با دولت‌های دیگر را از طریق همین گروه‌های غیردولتی پیش می‌برند. نکته دیگر این است که بسیاری از گروه‌های درگیر جنگ‌های مسلحانه داخلی در نقاط مختلف جهان، تروریست هستند؛ یعنی با توسل به کنش تروریستی فعالیت و اهداف خود را پیش می‌برند؛ بنابراین، روند دیگری که در درگیری‌ها و خشونت‌های مسلحانه جریان دارد و دامنه و شدت آن نیز طی دو دهه اخیر مرتباً در حال رشد بوده است افزایش نقش تروریسم و گروه‌های تروریستی در درگیری‌ها و خشونت‌های مسلحانه در بسیاری از مناطق جهان است. تروریسم پدیده جدیدی نیست و در قرون گذشته به‌ویژه نیمه دوم قرن بیستم نیز این پدیده نقش قابل توجهی در خشونت‌های درون کشورها داشته است. آنچه جدید و مهم است تکامل تروریسم در بستر تحولات جدید جهانی و تحول در ماهیت، نقش، کارکرد و ابزارهای مورد استفاده آن و در نتیجه تبدیل شدن آن به یکی از تهدیدات اساسی جهانی در ابتدای قرن بیست و یکم است، تهدیدی که امروزه به یکی از دستور کارهای مهم دولت‌ها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی تبدیل شده و هیچ موردی را نمی‌توان پیدا کرد که در آن یک سیاستمدار یا کارشناس مسائل بین‌المللی در مورد امنیت و سیاست بین‌الملل در شرایط کنونی سخن بگوید اما از تروریسم یاد نکند. (حیات‌مقدم و کلانتری، ۱۳۹۷: ۹۳)

منازعه منطقه خاکستری

درد و رنج‌های ویرانگر انسانی برآمده از جنگ، کشته‌های فراوان انسانی و خسارت‌های ناگوار به محیط زیست به همراه هزینه‌های فلج‌کننده به زیرساخت‌های اقتصادی، دیگر برای بسیاری از ملت‌های جهان قابل تحمل نیست. به عنوان نمونه، خشونت‌های ناشی از

جنگ در یمن، سوریه، عراق، سرزمین‌های اشغالی فلسطین، لیبی و سودان سبب شده است تا نزدیک به ۲۷ میلیون کودک در این کشورها در معرض خطرات جدی قرار بگیرند. از این رو، بروز خشونت‌های فراوان در جنگ‌های سنتی و پیدایش قلمروهای نوینی از نبرد همچون قلمرو فضایی و فضای سایبر، صاحب‌نظران حوزه اندیشه دفاعی را بر آن داشته است تا پیرامون امکان‌پذیری گونه‌های نوینی از نبرد گمانه‌زنی کنند. از گونه‌های نوپدید نبرد می‌توان به نبردهای بی‌قاعده، ترکیبی، نامتقارن و منازعات منطقه خاکستری اشاره کرد که در سالیان اخیر از اقبال خوبی در دانشکده‌ها و دیگر مراکز پژوهشی دفاعی برخوردار شده است. مفهوم منطقه خاکستری نخستین بار در بازنگری چهارسالانه دفاعی سال ۲۰۱۰ میلادی از سوی وزارت دفاع آمریکا ارائه شده است و در هفت سال گذشته پیرامون آن گزارش‌های معدودی ارائه شده است. (Hoffman, ۲۰۱۶: ۲۳۱) در تعریف منطقه منازعه خاکستری نیز چنین آمده است که: منطقه خاکستری یک محیط عملیاتی است که در آن کنشگران از ابهام استفاده می‌کنند و برای رسیدن به اهداف راهبردی از عدم تعهد بهره می‌برند، در حالی که اقدامات متقابل کنشگران دیگر را با ابزارهای نوین، محدود می‌سازند. (Chambers, ۲۰۱۶: ۱۲۶)

ویژگی‌های منازعات منطقه خاکستری

۱. استفاده از عملیات مخفی، جاسوسی، نفوذ سیاسی، پوشش رسانه‌ای و ارائه پناهندگی و استفاده از ظرفیت چندملیتی‌ها به عنوان ابزار؛
۲. عملیات‌های رسانه‌ای به منظور کاهش مقاومت عمومی در کشور هدف؛
۳. انجام عملیات‌های ویژه و بهره‌گیری از واحدهای غیرشناخته‌شده از نیروهای مسلح؛
۴. اعتبارزدایی از نهادهای موجود در کشورهای هدف با تمرکز بر روی الگوهای حکمرانی و نهادهای نظارتی و قضایی؛
۵. ابهام، عدم شفافیت، لایه‌بندی پیچیده و استفاده گسترده از فریب و انکار در ارتباط با نیت راهبردی کشورها در قبال دشمن؛

۶. رقابت در حوزه ادراکی و شناختی؛ هم در تصمیم‌سازان دشمن و هم در محیط پیرامونی برای اجماع‌سازی یا تحریک کشور ثالث برای اقدام در راستای منافع خود؛
۷. کوشش برای ایجاد درک نامناسب در دشمن؛
۸. قلمروهای بدون مرزبندی دقیق؛
۹. بازی حول محور اطلاعات نادرست؛ هم برای افزایش خطای محاسباتی در تصمیم‌سازی رقبا و هم برای توجیه اقدامات شیطنت‌آمیز خودی؛
۱۰. وادارسازی دشمن به اقداماتی که علاقه‌ای به آن ندارد به جای شکست مطلق یا نابودی کامل رقبا؛
۱۱. کاهش هزینه، کمترین خشونت و نظامی‌گری و تلفات انسانی در راستای جلوگیری خروج از ناحیه خاکستری و ورود به ناحیه قرمز (جنگ علنی)؛
۱۲. تسلیحات سایبری به جای تسلیحات کشنده مرسوم؛
۱۳. تأثیرگذاری بر روحیه جمعی کشور هدف به عنوان یک هدف پویا و بلندمدت؛
۱۴. استفاده از ابهام برای کاهش یا از میان بردن ردپا و اجرای عملیات غیر قابل پیگیری حقوقی دشمنان در ساختارها و هنجارهای حقوقی مرسوم در عصر کنونی؛
۱۵. دستیابی به هدف در زمان طولانی؛
۱۶. فریب و انکار و فرسوده‌سازی سرمایه جمعی دشمن؛
۱۷. جنگ روایت-ها، روایت‌سازی و دگرگونی در کلان‌روایت‌ها و باورهای جمعی؛
۱۸. انعطاف‌پذیری راهبردی بالا و تنوع ابزارهای اقتصادی، نظامی، حقوقی و رسانه‌ای؛
۱۹. نبردهای نیابتی به جای رویارویی رودررو؛
۲۰. بهره‌گیری از تحریم و دیگر ابزارهای حقوقی نبرد اقتصادی؛
۲۱. ایجاد مناطق ضددسترسی و ضدمانعت برای انجام اقدامات کلیدی یا تزریق ابهام برای تغییر موازنه در عرصه نبرد در ناحیه خاکستری؛
۲۲. دگرگونی در ساختارهای حاکمیتی به منظور کاهش مشروعیت. (Baques, 2017: 134)

آینده منازعات غرب آسیا

سوریه، عراق، لبنان و قطر محورهای منازعات منطقه خاکستری در منطقه غرب آسیا خواهند بود. اگرچه در برخی اسناد، لیبی نیز به عنوان منطقه منازعه خاکستری میان آمریکا و روسیه معرفی شده است. در سند دیگری که در اواخر سال ۲۰۱۶ میلادی از سوی دانشگاه مریلند منتشر شده است، سناریوهای منازعه میان ایران و عربستان سعودی در میانه‌های سال ۲۰۱۷ میلادی، با بهره‌گیری از ابزارهای رایانه‌ای «پژوهش‌یار» شبیه‌سازی شده است. در این پژوهش که به سفارش پنتاگون انجام شده است، با بررسی پیامدهای منازعه بر منافع ایالات متحده آمریکا، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که در منازعه شبیه‌سازی شده ایران-عربستان هیچ گلوله‌ای شلیک نخواهد شد.^۱ اگرچه رقابت‌های راهبردی دو کشور در حوزه‌های سیاسی، دفاعی، رسانه‌ای، اقتصادی با بهره‌گیری از ابزارهای نوین مالی (همچون اف‌ای‌تی‌اف^۲)، اطلاعاتی (همچون مراکز ردیابی و خوشه‌بندی کلان‌داده‌ها و تحلیل شبکه‌های سایبری) و همچنین قانونی (طرح شکایت در نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل، دیوان لاهه و ...) به افزایش تنش‌های میان دو کشور خواهد انجامید. با این وجود، جنگ‌های نیابتی در منطقه افزایش خواهد یافت و در یمن و بحرین مداخله ایالات متحده آمریکا در پشتیبانی از هم‌پیمانان عرب ناگزیر خواهد بود.^۳ در شبیه‌سازی سوم نیز به دولتمردان ایالات متحده آمریکا هشدار داده شده است تا آمادگی کامل برای رویارویی با عملیات‌های تروریستی «پیکارجویان خارجی»^۴ داشته باشد. چراکه بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که پیامد پشتیبانی آمریکا از عربستان در منازعه احتمالی با ج.ا.ایران، حضور گسترده «پیکارجویان خارجی» در خاک آمریکا برای

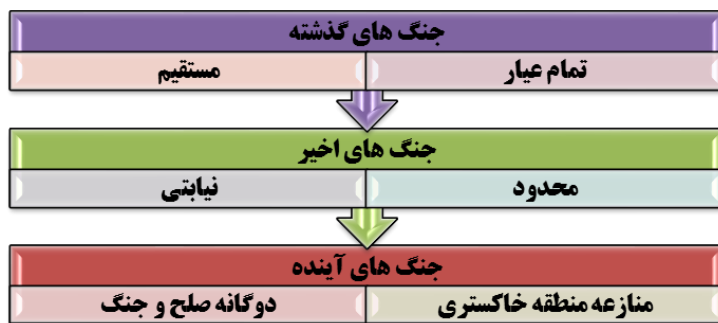
۱. The national security advisor has formed an ad hoc virtual task force to “sort out the competition between Iran and Saudi Arabia and keep it from boiling over into potentially catastrophic and lethal conflict.”

۲. FATF

۳. U.S. needs to bring a combatant ship into the Naval Base in Manama for emergency repairs following the storm, anti-government websites begin to suggest that the U.S. is coming to support the king because the Saudis cannot.

۴. Foreign Fighters

انجام عملیات تروریستی خواهد بود. این اقدامات تروریستی گستره‌ای از رخدادها همچون انفجارهای انتحاری تا نابودی سدهای برق‌آبی با کامیون‌های حمل مواد منفجره را در پی خواهد داشت. (Ellis, 2016: 85)



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش زمینه‌ای موردی انجام گردیده و نتایج آن قابل تعمیم نمی‌باشد؛ چون فقط منازعات منطقه خاکستری را مورد بررسی قرار داده و نتایج آن برای سایر منازعات جنگی قابل استفاده نیست. با نگرش به اینکه نتایج تحقیق، کاربردی و تصمیم‌گرا می‌باشد، نوع پژوهش کاربردی است. داده‌ها در محیط نرم‌افزار SPSS وارد و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی تجزیه و تحلیل شده است. اطلاعات این تحقیق از دو روش «میدانی» و «بررسی اسناد و مدارک (کتابخانه‌ای علمی و تخصصی)» گردآوری شده است. در روش کتابخانه‌ای، ادبیات موضوع و اطلاعات نظری مورد نیاز با جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی و بانک‌های اطلاعاتی به دست آمده است. در روش میدانی علاوه بر مصاحبه با خبرگان، پرسشنامه‌ای تنظیم شد که ۱۰ پرسش بسته آن از طریق طیف لیکرت در پنج سطح طبقه‌بندی گردید. در طراحی پرسشنامه با روش دلفی و با استفاده از نظر صاحب‌نظران، استادان، متخصصان و خبرگان، مناطق منازعه خاکستری، شناسایی و سپس پرسشنامه مقدماتی تهیه و دو مرحله بین خبرگان توزیع شد و پس از تعیین اعتبار و روایی آن، پرسشنامه نهایی تهیه گردیده است. برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی محتوا و توزیع دو مرحله‌ای پرسشنامه بین صاحب‌نظران بهره‌برداری شده و برای تعیین

پایایی آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است و یک نمونه اولیه شامل ۲۰ پرسشنامه بین استادان دانشگاه امام حسین(ع) و دانشگاه عالی دفاع ملی پیش‌آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های به‌دست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS میزان ضریب اعتماد با روش آلفای کرونباخ بزرگ‌تر از ۰/۷۵ به‌دست آمد، بنابراین پرسشنامه مورد استفاده از قابلیت اعتماد لازم برخوردار می‌باشد.

قلمرو تحقیق از نظر زمانی، پس از بیداری اسلامی از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۰۰ شمسی می‌باشد. از نظر مکانی، شامل منطقه آسیا است. از نظر موضوعی شامل بررسی مناطق مورد منازعه خاکستری بین کشورهای درگیر می‌باشد.

جامعه آماری شامل استادان، خیرگان، مدیران ارشد و فرماندهان مسئول، راهبردی‌پردازان نظامی ستاد کل نیروهای مسلح، آجا، سپاه و مسئولین دفاعی است که دارای حداقل پنج سال سابقه کار در مسائل راهبردی با داشتن جایگاه مدیریتی ۱۸ می‌باشند. در این پژوهش، جامعه آماری با توجه به حساسیت و خاص بودن موضوع پژوهش، بسیار محدود بوده و با توجه به نظر کارشناسان و خبرگان در مجموع ۱۲۰ نفر برآورد شده است. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۴۳ نفر تعیین شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

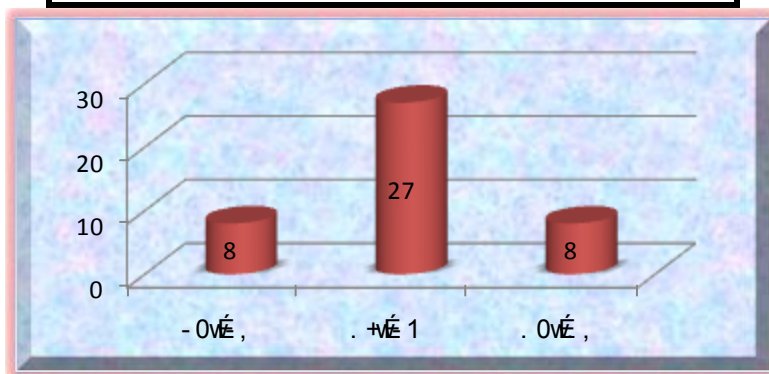
تجزیه و تحلیل جمعیت‌شناختی

با طرح دو پرسش، سعی در روایی و پایایی هر چه بیشتر پرسشنامه شده است. پرسش‌های مربوط به تعیین سنوات خدمتی پاسخ‌دهندگان، با رسم جدول و نمودار و تعیین درصد فراوانی آن به شرح زیر تجزیه و تحلیل گردیده‌اند:

جدول شماره ۱. سنوات خدمتی جامعه نمونه

سنوات (سال)	فراوانی	فراوانی درصدی
۲۱ الی ۲۵	۸	٪۱۸/۶
۲۶ الی ۳۰	۲۷	٪۶۲/۸
۳۱ الی ۳۵	۸	٪۱۸/۶

سنوات (سال)	فراوانی	فراوانی درصدی
جمع	۴۳	٪۱۰۰

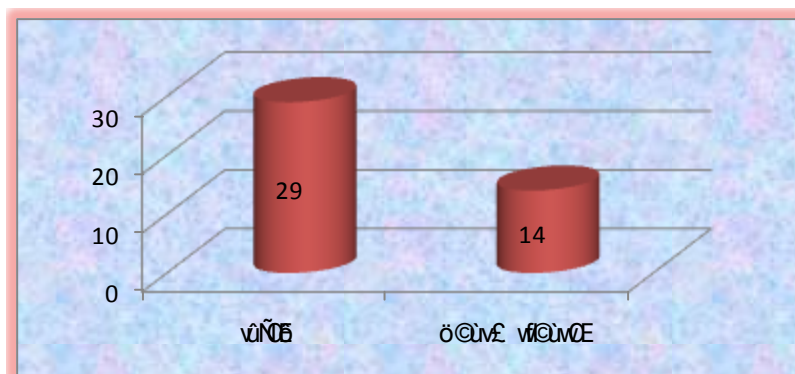


نمودار شماره ۱. سنوات خدمتی جامعه نمونه

یافته‌های جدول و نمودار بالا بیانگر این است که ۱۸/۶٪ درصد پاسخگویان (۸ نفر) دارای سنوات خدمتی ۲۱ الی ۲۵ سال بوده و ۶۲/۸٪ درصد آنان (۲۷ نفر) دارای سنوات خدمتی ۲۶ الی ۳۰ سال بوده و ۱۸/۶٪ درصد (۸ نفر) بالای ۳۰ سال خدمت دارند، بنابراین پاسخ‌دهندگان از تخصص و تجربه زیادی برخوردار می‌باشند و به جامعه آماری، اعتبار بالایی می‌بخشد.

جدول شماره ۲. سطح تحصیلات جامعه نمونه

سطح تحصیلات	فراوانی	فراوانی درصدی
دکتر	۲۹	٪۶۷/۴
کارشناسی ارشد	۱۴	٪۳۲/۶
جمع	۴۳	٪۱۰۰



نمودار شماره ۲. سطح تحصیلات جامعه نمونه

یافته‌های جدول و نمودار بالا بیانگر این است که ۶۷/۴٪ درصد (۲۹ نفر) دارای تحصیلات دکتری و ۳۲/۶٪ درصد (۱۴ نفر) پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی ارشد می‌باشند، بنابراین پاسخ‌دهندگان از تخصص و تجربه زیادی برخوردار می‌باشند و به جامعه آماری، اعتبار بالایی می‌بخشد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور تجزیه و تحلیل سوال‌های تحقیق و بر اساس پرسشنامه‌های تنظیم شده که بین جامعه نمونه توزیع گردیده و پاسخ‌های اخذ شده از آن‌ها مقادیر به دست آمده برای یافته‌ها در قالب جدول زیر درج و میانگین وضع موجود، وزن، وزن موزون و امتیاز موزون برای هر یک از سوالات به صورت جداگانه به شرح زیر محاسبه شده است:

۱. میانگین امتیاز هر عامل بر اساس طیف لیکرت محاسبه شده است (معدل پاسخ‌های دریافتی)،

۲. با استفاده از نظر خبرگی وزن هر عامل از ۱ تا ۵ مشخص شده است،

۳. میانگین امتیاز هر عامل بر جمع کل میانگین امتیاز تقسیم شده و وزن موزون هر عامل به دست آمده است،

۴. وزن موزون هر عامل ضربدر میانگین کل شده و امتیاز وزن موزون هر عامل به دست آمده است. جدول زیر در قالب طیف لیکرت (خیلی زیاد - زیاد - متوسط - کم - خیلی کم) و بر اساس نمره ۵ و ۴ و ۳ و ۲ و ۱ تنظیم شده است. یعنی عواملی که میانگین نمره ۳ به

بالا(متوسط) بگیرند تأیید می‌گردند. تعداد ۱۰ سوال بسته به جامعه نمونه واگذار شده که پس از پاسخگویی تمام سوالات مورد تأیید قرار گرفته است.

بر اساس پرسشنامه‌های دریافتی میانگین امتیاز هر یک از عوامل جدول زیر بیشتر از ۳ می‌باشد، چون میانگین نمره پاسخ‌های دریافتی زیاد به بالا (۳به‌بالا) می‌باشد، بنابراین ۱۰ عامل زیر توسط جامعه نمونه تأیید شده است. عواملی که میانگین نمره دریافتی آنها کمتر از حد متوسط بوده (کمتر از ۳) مورد تأیید جامعه نمونه قرار نگرفته است. البته کلیه عوامل تأیید شده است. عواملی تجزیه و تحلیل شده است که مورد تأیید جامعه نمونه قرار گرفته است.

بر اساس مصاحبه به‌عمل آمده با صاحب‌نظران، جنگ‌های گذشته به‌صورت مستقیم و تمام‌عیار بین کشورها و یا ائتلاف‌های درگیر جنگ انجام می‌شد، آخرین نمونه آن جنگ اول و دوم خلیج‌فارس (جنگ آمریکا علیه عراق) بود. این نوع جنگ‌ها دارای هزینه سرسام‌آور بوده و از طرفی دارای تلفات انسانی زیادی بود، لذا به همین دلیل کشورهای استعمارگر به‌منظور مدیریت جنگ و کاهش هزینه و تلفات آن، جنگ‌های اخیر را به‌صورت محدود و نیابتی انجام دادند، مثل جنگ سوریه و یمن. آمریکا با به‌کارگیری گروه‌های فراملی مثل داعش و سایر گروه‌های تکفیری تروریستی و هم‌چنین با استفاده از ظرفیت کشورهای مرتجع و دست‌نشانده مثل عربستان سعودی، جنگ‌های اخیر را به‌صورت نیابتی و محدود انجام داده و خود مدیریت جنگ را به‌عهده داشت. این نوع جنگ (جنگ محدود نیابتی) باعث نارضایتی اذهان عمومی و ایجاد هزینه‌ی حداقلی برای آمریکا شد، به همین دلیل آمریکایی‌ها به‌منظور نپرداختن هزینه و به‌صفر رساندن تلفات در جنگ‌های آینده به‌دنبال مدیریت منازعه در مناطق خاکستری هستند، این منازعه که دوگانه صلح و جنگ نام دارد، هزینه و تلفات خیلی کمی برای آمریکایی‌ها دارد و از طرفی به‌جای مدیریت جنگ به‌دنبال رهبری جنگ هستند. در جنگ مستقیم و تمام‌عیار و جنگ محدود و نیابتی، پس از اتمام جنگ و محقق شدن اهداف جنگ، کشور و یا ائتلاف متجاوز باید منطقه را ترک نماید و هیچ دلیلی برای ماندن در منطقه از منظر حقوق بین‌الملل و اذهان عمومی وجود ندارد، به همین دلیل آمریکایی‌ها به‌منظور توجیه ادامه حضور خود در مناطق موردنظر به بهانه حمایت از گروه‌های غیردولتی و یا سرکوب

گروه‌های تکفیری- تروریستی به دنبال دوگانه صلح و جنگ یا مدیریت منازعه در مناطق خاکستری هستند. آمریکایی‌ها معتقدند در مناطق خاکستری به علت رشد گروه‌های افراطی و تروریستی تهدید و بی‌ثباتی جدی است و کشوری که در این منطقه قرار دارد به علت ضعف دولت مرکزی توانایی ایجاد امنیت و ثبات داخلی را در مقابل تروریست‌ها را ندارد. چنانچه این تهدیدها خنثی نگردند، امنیت جهان و به خصوص امنیت آمریکا و کشورهای هم‌پیمان او در منطقه تهدید می‌گردد. در واقع تهدیدپذیری کشورهای هم‌پیمان خود و حفظ امنیت جهانی را بهانه قرار داده تا در مناطق خاکستری دوگانه صلح و جنگ را اجرا نماید. بنابراین بهترین راه‌هکار برای ادامه حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا، مدیریت دوگانه صلح و جنگ است.

مدیریت منازعه در منطقه خاکستری تصمیم‌گیری قاطع را برای طرف یا طرفین سخت‌تر می‌کند و آن‌ها را از کشاندن به یک جنگ بزرگ دور می‌کند؛ چراکه طرفین نسبت به رویکرد همدیگر به عنوان رقیب، شریک یا بی‌طرف تردید جدی دارند، راهبرد منطقه خاکستری باعث می‌شود که طرفین از اتخاذ اقدامات تحریک‌آمیز تدریجی که منجر به وقوع یک جنگ نامحدود شود اجتناب کند. مدیریت منازعه در منطقه خاکستری به طرفین اجازه می‌دهد درگیرهای بی‌قاعده‌ای که منجر به درگیری‌های قاعده‌مند نشود را داشته باشند.

جدول شماره ۳: میانگین پاسخ‌های دریافتی پیرامون مناطق مورد منازعه خاکستری

منازعات	مناطق مورد منازعه خاکستری	میانگین امتیاز	وزن	وزن موزون	امتیاز موزون
منازعات منطقه‌ای	۱- یمن بین ایران و عربستان سعودی	۴/۷۰	۵	۱/۱۱	۴۶۹
	۲- سوریه بین ایران و عربستان سعودی	۴/۵۸	۴	۱/۰۹	۴۶۱
	۳- فلسطین اشغالی بین ایران و رژیم صهیونیستی	۴/۱۷	۴	۱/۰۹۹	۴۱۸
	۴- لبنان بین ایران و عربستان سعودی	۴/۰۵	۴	۱/۰۹۶	۴۰۶
	۵- بحرین بین ایران و عربستان سعودی	۳/۹۴	۳	۱/۰۹۳	۳۹۳
	۶- قطر بین ایران و عربستان سعودی	۳/۸۸	۴	۱/۰۹۲	۳۸۹
	۷- عراق بین ایران و عربستان سعودی	۳/۷۶	۴	۱/۰۸۹	۳۷۶

وزن	وزن	میانگین امتیاز	مناطق مورد منازعه خاکستری	وزن	امتیاز موزون
۵	۱۱۱/	۴/۷۰	۸- دریای چین جنوبی بین آمریکا و چین	۴۶۹/	
۵	۱۰۳/	۴/۳۵	۹- سوریه بین آمریکا و روسیه	۴۳۵/	
۴	۱۰۲/	۴/۲۹	۱۰- اوکراین بین آمریکا و روسیه	۴۳۱/	
۴۲	۱	۴۲	جمع کل	۴/۲۴	
۴/۲۴	۱	۴/۲	میانگین کل	۴۲۴/	

طبق جدول بالا تعداد ده منطقه مورد منازعه خاکستری وجود دارد که ۷ منطقه مورد منازعه کشورهای منطقه‌ای است و ۳ منطقه مورد منازعه کشورهای فرامنطقه‌ای است.

مناطق مورد منازعه کشورهای منطقه‌ای به شرح زیر مدیریت می‌شود:

۱. یمن منطقه منازعه خاکستری بین ایران و عربستان سعودی است، نتیجه جنگ یمن مثل شمشیر دولبه است، چنانچه مردم یمن پیروز جنگ شوند، این پیروزی برگ برنده‌ای برای ج.ا.ایران و جبهه مقاومت است، چنانچه عربستان پیروز شود، پیامدهای حاصل از پیروزی نصیب عربستان سعودی می‌گردد. البته به علت طولانی شدن زمان جنگ می‌توان ادعا نمود که تا به حال ائتلاف سعودی در جنگ یمن دستاورد و نتیجه مثبتی نداشته است.
۲. سوریه منطقه منازعه خاکستری بین ایران و عربستان سعودی است، پیروزی ارتش سوریه و جبهه مقاومت در نابودی و پاکسازی داعش باعث پیروزی ج.ا.ایران و جبهه مقاومت در مقابل عربستان سعودی شده است. با وجود این که داعش در سوریه کاملاً حذف شده است، اما هنوز بین معارضین به نیابت از عربستان سعودی و ارتش سوریه و جبهه مقاومت درگیری‌های پراکنده‌ای وجود دارد که نتیجه نهایی آن شکست عربستان سعودی است.
۳. شروع انتفاضه سوم و پیروزی مردم فلسطین و گروه‌های مقاومت در جنگ ۲۲ روزه و ۵۱ روزه بیانگر شکست رژیم صهیونیستی در منازعه خاکستری با ج.ا.ایران و جبهه مقاومت است.
۴. جنگ ۳۳ روزه و متعاقب آن همگرایی مجدد سعد حریری با حزب‌ا.. لبنان، پس از مراجعت از عربستان سعودی بیانگر شکست عربستان سعودی در این منازعه خاکستری است.

۵. تحولات داخلی بحرین و اسلام‌خواهی مردم در مقابله با ظلم و ستم پادشاهان بحرین و همگرایی مسلمانان بحرین با ج.ا.ایران بیانگر شکست عربستان سعودی در این منازعه خاکستری است.

۶. بحرانی شدن روابط بین قطر و عربستان سعودی و متعاقب آن ایجاد تنش بین قطر و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و از همه مهمتر توسعه روابط تجاری و سیاسی قطر با ج.ا.ایران بیانگر شکست عربستان سعودی در این منازعه خاکستری است.

۷. شکست کامل داعش در عراق و لغو نتیجه همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان عراق و ایجاد همگرایی بیشتر بین دولتمردان عراق با ج.ا.ایران، بیانگر شکست عربستان سعودی در این منازعه خاکستری است.

مناطق مورد منازعه کشورهای فرامنطقه‌ای به شرح زیر مدیریت می‌شود:

۱. دریای چین جنوبی منطقه منازعه خاکستری بین آمریکا و چین است، حضور آمریکا در دریای جنوبی چین و انجام رزمایش‌های متعدد به بهانه مبارزه با تروریسم و ایجاد امنیت دریایی، تنش بین چین و آمریکا را بر سر مسئله تایوان افزایش داده و این منطقه به محل منازعه خاکستری بین آمریکا و چین تبدیل شده است.

۲. سوریه منطقه منازعه خاکستری بین آمریکا و روسیه است، روسیه از یک طرف دارای روابط بسیار خوب تجاری و اقتصادی با سوریه است و از طریق حضور در لاذقیه و طرطوس خود را به دریای مدیترانه وصل نموده و از طرف دیگر مخالف حضور آمریکا به عنوان رقیب خود در داخل کشور سوریه می‌باشد، به همین دلیل سوریه به منطقه منازعه آمریکا و روسیه تبدیل شده و تحولات موجود بیانگر شکست آمریکا در این منازعه خاکستری می‌باشد.

۳. اوکراین منطقه منازعه خاکستری بین آمریکا و روسیه است، حضور نظامی روسیه در اوکراین و تحولات انجام شده به خصوص الحاق کریمه به روسیه بیانگر شکست آمریکا در این منازعه خاکستری می‌باشد.

نخستین مصداق منازعه منطقه خاکستری از دیدگاه آمریکایی‌ها، منطقه شرق اروپا و کشور بحران‌زده اوکراین به‌شمار می‌آید که به باور نظامیان آمریکا، با خیزش روسیه و همراهی آن از جدایی‌طلبان اوکراین و درنهایت الحاق کریمه، بدون حل و فصل قانونی، در منطقه خاکستری قرار دارد.

بنابراین در سال ۲۰۱۸ میلادی وضعیت اوکراین از دیدگاه آمریکا، نمی‌تواند به صلح بینجامد مگر رخداد تعیین‌کننده‌ای همچون نتیجه انتخابات ریاست جمهوری روسیه در اسفندماه ۱۳۹۶ یا اعتراضات برنامه‌ریزی شده پیامد آن از سوی غربگراها زمینه‌ساز کاهش تأثیرگذاری سیاست خارجی روسیه در شرق اروپا شود.

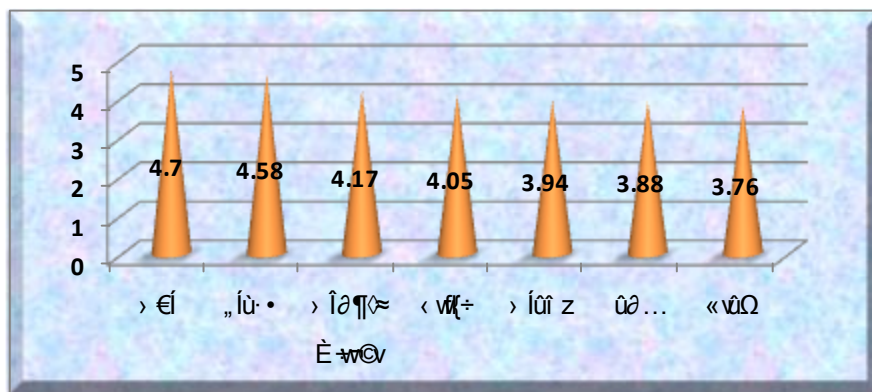
مصداق دیگر منازعات منطقه خاکستری، دریای چین جنوبی و مسئله تایوان را دربرمی‌گیرد. احتمال درگیری میان چین و آمریکا در دریای چین جنوبی بر سر حاکمیت تایوان، امری نیابتی است و با توجه به دسته‌بندی آمریکا از این موضوع، تنها در فضای پرابهام راهبردی با پیگیری‌های حقوقی، لفاظی‌های سیاسی و توییت‌های نامناسب به همراه بهره‌گیری از برخی تسلیحات سایبری پیگیری خواهد شد. با تصویب راهبرد دفاعی جدید آمریکا، پهلوگیری ناگروه‌های جنگی آمریکا در بنادر تایوان، الزامی خواهد شد. اگرچه چین هشدار داده است که این رخداد زمینه‌ساز ورود نظامی چین به تایوان و الحاق آن به سرزمین مادری خواهد شد.

مصداق دیگر منازعات منطقه خاکستری که به چهار کشور گسترش یافته است، منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا یا به باور غلط آمریکایی‌ها، «خاورمیانه بزرگ» است که با هدف تضمین امنیت رژیم صهیونیستی در جریان است که یک سوی منازعه ج.ا.ایران و محور مقاومت و سوی دیگر منازعه، آمریکا و هم‌پیمانان وی همچون عربستان و رژیم صهیونیستی خواهند بود. تهدید ترامپ در مورد برجام، فرمان انتقال سفارت رژیم صهیونیستی و سخنرانی «نیکسی هیلی» در سازمان ملل در مورد یک لاشه موشکی و ارتباط دادن تحولات یمن به ایران سه نمونه از اقدامات ایالات متحده در ناحیه خاکستری بود. برجام اگرچه یک توافق چندجانبه حقوقی با مفاد مشخص و لازم‌الاجرا است، اما به راحتی با اقدامات فوق و حتی با کنشگری بازیگران ثالث مانند سعد حریری یا ولیعهد

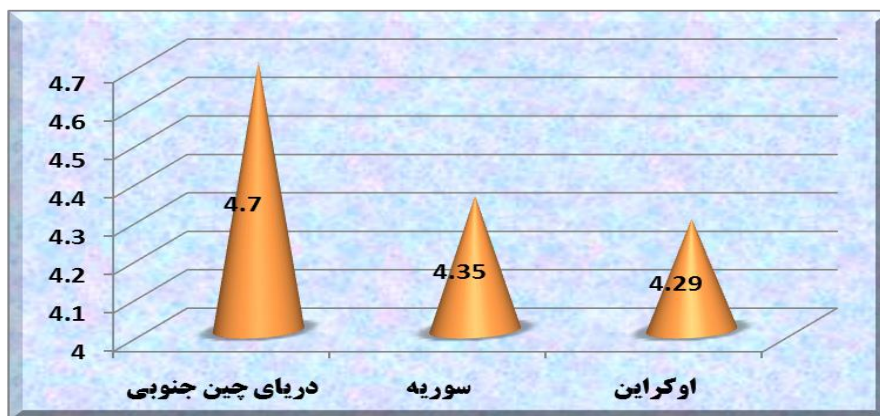
عربستان، به سمت ناحیه خاکستری رانده شده است. برای حضور در منازعات ناحیه خاکستری توجه به دو نکته بسیار حیاتی است. نخستین نکته مربوط به پذیرش کنش تهاجمی در قبال دیگر بازیگران عرصه بین‌المللی است. اقدامات تحریک‌آمیز و تهاجمی در رابطه با دیگر واحدهای سیاسی در متون حقوقی بین‌المللی و بر پایه عرف جامعه جهانی، امری نادرست و غیرقانونی است؛ اما در فضای خاکستری، کنش تهاجمی قابل اجرا و پیگیری است. برای مثال اگرچه نظام دفاعی ایران علیه هیچ کشوری اعلام جنگ علنی ندارد، اما در عرصه فرهنگی، هویتی و اقتصادی می‌توان یک رویکرد تهاجمی را برای افزایش عمق راهبردی در دستور کار قرار داد. مانور پیرامون «ابهام» به عنوان مولفه ذاتی جنگ‌های ناحیه خاکستری، دومین مولفه در ادراک صحیح این گونه از مناقشات به شمار می‌آید. در برخی از مواقع یک کنشگر باید با ابهام‌زایی بیشتر گزینه‌های خود را حفظ کرده و آنها را افزایش دهد. حتی در برخی از موارد چنین ابهاماتی کمک می‌کند تا شما برخی از گزینه‌های احتمالی خود را مخفی نگاه دارید. اما در سوی دیگر گاهی باید از استراتژی ابهام‌زدایی بهره برد. در واقع اگر یک کنشگر ذی‌نفع، خود در مسیر چرخه ابهام‌زدایی و شفاف‌سازی آن مفهوم و پدیده گام بر ندارد، رقبا با سوءبرداشت و یک رویکرد خصمانه به تفسیر آن اقدام کرده و به سرعت به سمت اجماع‌سازی علیه رقبا پیش خواهند رفت. در عین حال نه ابهام‌زایی مولفه ذاتی راهبرد پیروزی در جنگ‌های خاکستری است و نه می‌توان به ابهام‌زدایی تنها دل بست؛ بلکه باید به انتخاب هوشمندانه و به موقع میان این دو گزینه تکیه کرد. یک ترکیب خوب می‌تواند «ابهام‌زدایی راهبردی همراه با ابهام‌زایی تاکتیکی» باشد؛ یا به تعبیر دیگر «ابهام‌زدایی در دامنه گزینه‌های معتبر و ابهام‌زایی در چگونگی کاربست گزینه‌های معتبر». با این تفاسیر اگر ترکیبی از دو مولفه دفاع و ابهام را در کنار یکدیگر قرار دهیم به الگویی می‌رسیم که در آن چهار دسته کلی رفتار برای مدیریت در منازعات ناحیه خاکستری قابل ترسیم خواهد بود. این رفتارها در نمودار ۳ نمایش داد.



نمودار شماره ۳: مدیریت رفتارهای اصلی در جنگ ابهام



نمودار شماره ۴: میانگین امتیاز مناطق منازعه خاکستری مابین کشورهای منطقه‌ای



نمودار شماره ۵: میانگین امتیاز مناطق منازعه خاکستری مابین کشورهای فرامنطقه‌ای

نتیجه‌گیری

با توجه به هزینه‌بر بودن درگیری‌های مسلحانه به شکل کلاسیک میان دولت‌ها، به نظر می‌رسد که دولت‌ها تلاش کنند از طریق مدیریت و پشتیبانی از گروه‌های غیردولتی و یا سرکوب گروه‌های تکفیری- تروریستی اهداف خود را پیگیری کنند. برای نمونه، حمایت از گروه‌های غیردولتی، یکی از ستون‌های اصلی سیاست خارجی برخی از کشورها و بازیگران غرب آسیاست؛ که نقش بسیار اساسی در آشوب کنونی این منطقه ایفا می‌کند. مهم‌ترین اصول در مدیریت مناطق منازعه خاکستری، مخفی کردن هدف، ایجاد عدم اطمینان، عدم قطعیت، ابهام و سردرگمی در طرف مقابل است. جنگ‌های گذشته به صورت مستقیم و تمام‌عیار بین کشورها و یا ائتلاف‌های درگیر جنگ انجام می‌شد، این نوع جنگ‌ها دارای هزینه سرسام‌آور بوده و از طرفی دارای تلفات انسانی زیادی بود، لذا به همین دلیل کشورهای استعمارگر به منظور مدیریت جنگ و کاهش هزینه و تلفات آن، جنگ‌های اخیر را به صورت محدود و نیابتی انجام دادند، جنگ تمام‌عیار و محدود باعث نارضایتی اذهان عمومی و ایجاد هزینه برای آمریکا شد، به همین دلیل آمریکایی‌ها به منظور نپرداختن هزینه و به صفر رساندن تلفات در جنگ‌های آینده به دنبال مدیریت منازعه در مناطق خاکستری هستند، این منازعه که دوگانه صلح و جنگ نام دارد، هزینه و تلفات خیلی کمی برای آمریکایی‌ها دارد. آمریکایی‌ها در منطقه منازعه خاکستری به جای مدیریت جنگ به دنبال

رهبری جنگ هستند. آمریکایی‌ها تهدیدپذیری کشورهای هم‌پیمان خود و حفظ امنیت جهانی را بهانه قرار داده تا در مناطق منازعه خاکستری مدیریت دوگانه صلح و جنگ را اجرا نماید.

مناطق مورد منازعه کشورهای منطقه‌ای عبارتند از:

۱. یمن منطقه منازعه خاکستری بین ایران و عربستان سعودی،
۲. سوریه منطقه منازعه خاکستری بین ایران و عربستان سعودی،
۳. فلسطین اشغالی منطقه منازعه خاکستری بین ایران و رژیم صهیونیستی،
۴. لبنان منطقه منازعه خاکستری بین ایران و عربستان سعودی،
۵. درگیری‌های داخلی بحرین منطقه منازعه خاکستری بین ایران و عربستان سعودی،
۶. ائتلاف قطر با شورای همکاری خلیج فارس منطقه منازعه خاکستری بین ایران و عربستان سعودی،

۷. عراق منطقه منازعه خاکستری بین ایران و عربستان سعودی.

مناطق مورد منازعه کشورهای فرامنطقه‌ای عبارتند از:

۱. دریای چین جنوبی منطقه منازعه خاکستری بین آمریکا و چین،
۲. سوریه منطقه منازعه خاکستری بین آمریکا و روسیه،
۳. اوکراین منطقه منازعه خاکستری بین آمریکا و روسیه.

رفتارهای اصلی جنگ ابهام در مناطق مورد منازعه خاکستری به شرح زیر می‌باشد:

الف. ابهام‌زایی تدافعی: طراحی گزینه‌های خلاقانه و هوشمندانه برای اقدامات منطقه‌ای و رفتار ایران، به طوری که هزینه ابهام‌زدایی از این گزینه‌ها بر دوش رقیب افتاده و زمان به سود ایران بگذرد (برای مثال، یک مانور رسانه‌ای از یک توافق امنیتی جدید میان تهران و دمشق که هیچ یک از مفاد آن رونمایی نشده است)؛

ب. ابهام‌زدایی تدافعی: دیدبانی و تلاش برای ابهام‌زدایی از ابعاد حقوقی معاهدات منطقه‌ای در راستای شناسایی گزینه‌های خصمانه رقیب و دشمنان در فضای خاکستری و تلاش برای رویه‌سازی حقوقی یا اجماع علیه سوءتفسیر این توافق‌ها (برای مثال، شناسایی

ابهام در پیمان‌های سیاسی و نظامی میان کشورهای منطقه و طرح پرسش در مورد این ابهام‌ها برای تحت فشار قرار دادن رقبا و حساس کردن گوش اروپا)؛

ج. ابهام‌زایی تهاجمی: طراحی و اجرای مکانیسم‌های جدید و خلاقانه در گردآوری و ساماندهی حمایت مالی و تسلیحاتی از نیروهای مقاومت مردمی در سوریه یا حزب‌الله لبنان به منظور افزایش فشار بر نیروهای مورد حمایت عربستان سعودی (برای مثال، تقویت گردش مالی ایران در منطقه از طریق پول مجازی)؛

د. ابهام‌زدایی تهاجمی: انجام دیدبانی دقیق از اقدامات خرابکارانه، مداخله‌جویانه و حمایت تسلیحاتی ایالات متحده از گروه‌های تروریستی در غرب آسیا به منظور اجماع‌سازی و ایجاد جریان رسانه‌ای دیپلماتیک برای افزایش فشار بر نیروهای آمریکایی در غرب آسیا (گردآوری اطلاعات پیرامون اقدامات غیرمتعارف نظامی آمریکا یا همپیمانان او در سوریه و یمن و مانور موشکی ظریف در برابر مانور موشکی هیلی).

پیشنهادها

۱. راه درست مدیریت منازعات در منطقه خاکستری پرهیز از اختلاف‌های قومی و مذهبی، تقویت سازوکارهای ثبات، تشویق همه گروه‌های ملی، فروملی و فراملی به سازش و توافق در چارچوب مرزهای ملی همان کشور و وادار کردن سازمان‌های بین‌المللی به موضع‌گیری علیه این رویه خطرناک است. در غیر این صورت روند حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا و فرایند اجرای دوگانه صلح و جنگ بی‌پایان خواهد بود. باید این اندیشه را ترویج داد که حضور آمریکا و وابستگی برخی کشورهای مرتجع به آمریکا راه حل مشکلات منطقه غرب آسیا نیست، راه منطقی حل مشکلات رسیدن به تفاهم و توافق در چارچوب مرزهای سیاسی و حفظ ثبات و امنیت منطقه در قالب مدیریت چندجانبه با مشارکت همگانی است.

۲. تعارض‌های هویتی و گسل‌های فرهنگی موجود، جنگ را به درون مرزهای جهان اسلام و کشورهای مسلمان می‌کشاند، به همین دلیل ضمن ایجاد تفرقه، باعث آغاز

منازعات منطقه خاکستری می‌گردد. تنها راه مدیریت و پیشگیری از این جنگ‌ها، پیش‌دستی و همکاری کشورهای مسلمان جهت مدیریت و مبارزه با گروه‌های تکفیری- تروریستی می‌باشد.

۳. در تنازع بین نظم آمریکایی و نظم ایرانی، آمریکایی‌ها برای رسیدن به نظم نوین جهانی به دنبال این هستند که از طریق مدیریت منازعات در مناطق خاکستری، بین جهان اسلام تفرقه ایجاد نمایند و به همین دلیل عربستان سعودی را به عنوان پیشران این تنازع در مقابل ج.ا.ایران قرار داده‌اند. بنابراین ج.ا.ایران باید با «صبر استراتژیک» و مدیریت نمودن شرایط منطقه از وقوع دوگانه صلح و جنگ در منطقه غرب آسیا خودداری نماید.

۴. چنانچه ج.ا.ایران پیوندهای اساسی خود را با بازیگران و کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای افزایش دهد و مطلوبیت‌های آنها را رعایت نماید، بازتعریف و مهندسی نظم امنیتی موجود بر اساس مدیریت چندجانبه‌گرایی بهترین الگو برای مقابله با منازعات منطقه خاکستری است.

۵. ظهور یک جهان احتمالاتی نوین که بر ستون تناقضات ساختار کلاسیک محیط بین‌المللی روی داده، به پیچیدگی و تکثر لایه‌های منازعه میان کنشگران مختلف افزوده است. در چنین فضایی به آسانی می‌توان همزمان «دست دوستی» و «خنجر دشمنی» را به سمت دیگر کنشگران دراز کرد. امضای یک توافق و کارشکنی در محیط مبهم برای تضعیف آن در راستای یک طرح کلان و راهبردی تنها نمونه‌ای از استفاده از یک ابزار غیرنظامی برای کسب دستاوردهای راهبردی به شمار می‌رود. برجام و تلاش منطقه‌ای واشنگتن برای به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی ایران از طریق تحریک و فعال‌سازی کنشگری بازیگرانی مانند امارات و عربستان یا اشخاصی همچون سعد حریری یا اقدامات تشویقی و تنبیهی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده برای بنگاه‌های همکار ایران نیز در همین ساختار قابل بررسی است.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- پوراحمدی، حسین و رضایی، مسعود (۱۳۹۱)، تحول تاریخی جنگ از الگوهای سنتی تا نوین، فصل نامه راهبرد دفاعی شماره ۳۶، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- رشید، غلامعلی، (۱۳۹۳)، واکاوی الگوهای حاکم بر جنگ آینده، فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد دفاعی، شماره ۴۸، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- حیات مقدم، امیر و کلانتری، فتح... (۱۳۹۷)، سال‌نمای دفاعی امنیتی محیط پیرامونی ج.ا.ایران، تهران، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- زهدی، یعقوب و کلانتری، فتح... (۱۳۹۵)، واکاوی رویکردهای جنگ آینده، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی .
- کلانتری، فتح... (۱۳۹۴)، واکاوی راهبرد نظامی آمریکا در جنگ‌های حال و آینده، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۵۱.
- کلانتری، فتح... (۱۳۹۵)، مشخصات جنگ احتمالی آینده علیه ج.ا.ایران و راهبردهای مقابله با آن، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال سیزدهم، شماره ۵۶.

ب. منابع لاتین

- Huber, Tomas (۲۰۱۴), The Report of United States Army Special Operations Command, New York, Department of Defence U.S.A.
- Chambers , John, (۲۰۱۶), Countering Gray-Zone Hybrid Threats”, Modern War Institute.
- Baques, Josep, (۲۰۱۷), Towards a definition of the gray zone concept, Research Document of the Spanish Institute for strategic Studies.
- Hoffman, Frank. G, (۲۰۱۶) The Contemporary Spectrum of Conflict: Protracted, Gray Zone, Ambiguous, and Hybrid Modes of War The Heritage Foundation, Index Of U.S. Military Strength.
- Ellis, Devin, (۲۰۱۶), Examinations of Saudi-Iranian Gray Zone Competition in MENA, The University of Maryland, U.S. Department of Defense Joint Staff.